

قاعده الواحد و نظام علی

از دیدگاه ابن‌سینا و محقق طوسی^۱

دکتر فاطمه صادق‌زاده قمصری^۲

استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

چکیده

پذیرش قاعده فلسفی الواحد و اعتقاد به مبدأ واحد برای همه موجودات کثیر، فیلسوف را به مسأله چگونگی صدور کثرت از خداوندی که از جمیع جهات واحد است، رهنمون می‌سازد. فیلسوفان مشائی مانند ابن‌سینا، در پاسخ به این مسأله نظریه‌ای معروف درباره نظام عالم ارائه کرده‌اند. در مقابل، متکلمان مسلمان (به ویژه فخر رازی) با انگیزه‌های دینی، هم با این قاعده و هم با نظریات فلسفی درباره نظام هستی مخالفت می‌نمایند. خواجه نصیرالدین طوسی در آثار خود، با تثبیت قاعده‌الواحد و پاسخ‌گویی به اشکالات مخالفان، نظریه فیلسوفانی چون ابن‌سینا را تقویت می‌نماید. با این حال، محقق طوسی در برخی از آثار خود تقریر خاصی از قاعده الواحد، ارائه می‌دهد. وی بر آن است که از واحد، از آن جهت که واحد است جز واحد صادر نمی‌شود ولی صدور موجودات متعدد، از مبدأ واحد با حیثیت‌های مختلف امکان‌پذیر است. محقق طوسی در آثار خود مراتب علی موجودات را به دقت تنظیم می‌کند. در مرتبه نخست از مبدأ تعالی موجودی صادر می‌شود و در مرتبه دوم دو موجود قرار دارند که یکی از آنها از سوی مبدأ اول صادر شده است. در مراتب بعدی هم علاوه بر آنکه موجوداتی که خود از مبدأ صادر شده‌اند، مصدر اشیا مختلفی می‌شوند از مبدأ تعالی نیز موجودات خاصی صدور می‌یابند.

واژگان کلیدی

قاعده الواحد، صدور، نظام علی، مبدأ تعالی، ابن‌سینا، فخر رازی، محقق طوسی

۱- دریافت مقاله: ۸۸/۴/۱؛ پذیرش نهایی: ۸۸/۶/۲۸

۲- مدیر گروه فلسفه دانشگاه امام صادق علیه السلام

قاعده الواحد به عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فلسفی، با پیشینه‌ای دیرین^۱ همواره در میان اهل نظر و صاحبان اندیشه مورد توجه بوده است. در عالم اسلام، فیلسوفان و متکلمان برای تبیین بسیاری از مسائل فلسفی و کلامی به این قاعده استناد می‌کنند. از این رو باید گفت سرنوشت بسیاری از مباحث به این قاعده گره خورده است. بحث درباره قاعده الواحد گاه به منظور تحلیل مفهومی آن انجام می‌پذیرد و زمانی دیگر علاوه بر اثبات آن، به اشکالات و پرسش‌های مخالفان و منکران پرداخته می‌شود. برخی از اهل نظر، نقش روش‌شناختی و ارزش کاربردی این قاعده را در تبیین مسائل مختلف به عنوان یک مسأله پژوهشی قابل بررسی می‌دانند.^۲

برای همه فیلسوفانی که مبدأ عالم را واحد می‌دانند و از طرف دیگر کثرت را در عالم مشاهده می‌کنند، همیشه این مسأله مطرح است که چگونه از آن واحد که از هر جهت بسیط است، امور کثیر صادر می‌شود.

فیلسوفان مشائی معمولاً تبیین خود از نظام فیض را بر قاعده الواحد استوار می‌نمایند. براساس این قاعده، از حق تعالی که از جمیع جهات واحد و بسیط است، ابتدا یک واحد بسیط به نام عقل اول صادر می‌شود. با این حال عقل اول دارای حیثیت‌هایی مانند امکان، وجوب بالغیر، ... است. که به اعتبار هر یک از آن جهات، از عقل اول موجودی صادر می‌شود. هر یک از این موجودات نیز با حیثیت‌های متعدد خود، مصدر موجودی دیگر می‌شوند. در میان اندیشمندانی که به تبیین قاعده الواحد و چگونگی صدور کثرت از واحد پرداخته‌اند، خواجه نصیرالدین طوسی، فیلسوف و متکلم معروف شیعی موقعیت ویژه‌ای دارد. وی در برخی از آثار خود به شرح، تقویت و تحکیم نظریه منسوب به فیلسوفان (به طور خاص ابن‌سینا) می‌پردازد؛ تا آنجا که می‌توان گفت طوسی در چنین مواردی، تنها یک

۱- برخی تحقیق‌ها نشان می‌دهد یونانیان هم به قاعده الواحد اعتقاد داشته‌اند ر.ک. به: ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۲،

ج ۲، ص ۶۱۲-۶۱۵.

۲- ر.ک. به: فرامرز قوام‌لکی، ۱۳۸۲، ص ۲۰-۲۳.

شارح است و هیچ ابتکاری از خود نشان نمی‌دهد. اما وی در برخی دیگر از آثار خود، درباره قاعده الواحد و نظام فیض، اندیشه‌ها و نظریات خاصی به میان آورده است که او را هم چون فیلسوفی نظریه‌پرداز، از سایر فلاسفه متمایز می‌سازد. شرح تقریر محقق طوسی از آرا ابن‌سینا و نظریات ابداعی او موضوع این نوشتار است.

۱- نظریات ابن‌سینا و شرح محقق طوسی

فیلسوفان مسلمان برای اثبات قاعده الواحد، دلایل مختلفی آورده‌اند. خواجه نصیرالدین طوسی در برخی از آثار خود، دلایل فیلسوفانی چون ابن‌سینا را برای اثبات قاعده الواحد شرح می‌دهد، اعتراضات مخالفان را پاسخ می‌دهد و جریان این قاعده را در نظام هستی نشان می‌دهد. طوسی در این نوع بحث‌های فلسفی و کلامی، بیشتر به عنوان یک فیلسوف شارح به نظر می‌رسد. وی در این موارد، این قاعده را با همان روایت ابن‌سینا می‌پذیرد.

۱-۱- اثبات قاعده الواحد

ابن‌سینا در کتاب *اشارات برهانی* آورده است که محقق طوسی به شرح آن اقدام می‌نماید: اگر واحد، دو شیء «الف» و «ب» را ایجاب و صادر نماید، مفهوم و حقیقت صدور «الف» از واحد، با مفهوم و حقیقت صدور «ب» از او مغایر است یعنی علیت واحد برای «الف»، غیر از علیت او برای «ب» می‌باشد. در این صورت معلوم می‌شود که آنچه سبب صدور «الف» و «ب» شده است، یا دو چیز بوده است یا یک چیز با دو صفت متغایر؛ در حالی که آن شیء از ابتدا واحد فرض شده بود. خواجه هم چون ابن‌سینا برای توضیح بیشتر می‌گوید: آن دو حیثیت در واحد، یا مقوم آن واحد هستند یا هر دو از لوازم آن یا آنکه یک حیثیت مقوم و دیگری لازم آن واحد. در صورت نخست، لازم می‌آید آن شیء واحد، مرکب باشد نه واحد. در حالت دوم، آن دو لازم، معلول و اثر واحد به شمار می‌آیند و همان

استدلال از سر گرفته می‌شود. اما در صورتی که یکی از آن دو حیثیت، مقوم و دیگری لازم واحد باشند، لازم می‌آید حیثیت استلزام آن لازم، خارج از ذات واحد باشد. همه این حالات، مستلزم وجود ترکیب در ذات واحد هستند. این ترکیب ممکن است به صورت ترکیب در ماهیت (مانند جسم)، یا در وجود (چون عقل) یا در وجود و ماهیت او (مانند شیء منقسم به اجزائش) باشند. در هر حال، فرض سوم نیز محذور ترکیب را در پی دارد (طوسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۳، ص ۱۲۲-۱۲۵).^۱

دفاعیه‌های محقق طوسی از قاعده الواحد

محقق طوسی قاعده الواحد را قریب به وضوح می‌داند و اظهار می‌کند که از این رو بوعلی‌سینا دلایل خود را برای اثبات قاعده «تنبیه» نامیده است. از نظر وی، مردم به جهت غفلت از معنای «وحدت حقیقی» این قاعده را انکار می‌کنند و در مقابل آن می‌ایستند (همو، ص ۱۲۲).

در حالی که فیلسوفانی چون ابن‌سینا و محقق طوسی مفهوم قاعده الواحد را بسیار روشن و نزدیک به وضوح می‌دانند، متکلمان در آثار مختلف خود با این قاعده مخالفت می‌نمایند. بیشتر مخالفان، چنین گمان کرده‌اند که پذیرش این اصل با قبول قدرت مطلق حق تعالی منافات دارد و اگر کسی بگوید تنها یک امر از واحد صادر می‌شود، در واقع قدرت خداوند را محدود نموده است. اهل تحقیق، مخالفت متکلم نامداری چون فخر رازی را از این رو دانسته‌اند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۴۰).

با مروری بر استدلال‌های منکران قاعده الواحد می‌توان گفت این ادله منطقیاً به دو شکل تنظیم شده است: گاهی به نحو قیاس معارضت است که به نقض قاعده می‌انجامد و گاهی نیز به شکل قیاس مقاومت که معطوف به رد مهم‌ترین مقدمات براهین این قاعده است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۲۲).

۱- بعدها صدرالمآلهین از طریق قاعده سنخیت علی و معلولی، برهان متقنی بر صدق قاعده الواحد اقامه می‌نماید (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۲۳۶).

پاسخ طوسی به اشکالات فخر رازی

فخر رازی به عنوان یک متکلم دقیق در بسیاری از آثار خود به طرح انتقاداتی نسبت به قاعده الواحد می‌پردازد. وی گاهی به ادله فیلسوفان برای اثبات قاعده الواحد، نقدهایی دارد و گاهی نیز با اشاره به موارد نقض، با این قاعده مخالفت می‌نماید.

دلایل فیلسوفان بر قاعده الواحد - فخر رازی در کتاب محصل، تنها به یکی از دلایل فیلسوفان بر اثبات قاعده الواحد اشاره می‌کند و سپس آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد.^۱ البته فخر رازی هنگام نقل برهان ابن‌سینا، واژه «مقوم» را به کلمه «داخل» تبدیل می‌کند. برهان شیخ‌الرئیس با این تغییر، چنانچه صدرالمتألهین یادآور می‌شود، تمامیت خود را از دست می‌دهد.^۲ این برهان به تقریر ابن‌سینا بر اساس یک حصر عقلی تنظیم شده است؛ زیرا آن دو مفهوم یا هر دو مقوم هستند - خواه عین ذات، خواه خارج از آن - یا هر دو لازمند یا آنکه یکی مقوم است و دیگری لازم؛ اما شقوق مختلف در این برهان به بیان فخر رازی، تنها در سه حالت منحصر نیست و می‌توان حالت چهارمی را فرض نمود و آن هنگامی است که یکی از این دو عین مصدر باشد و دیگری خارج آن. فخر رازی با تغییر برهان ابن‌سینا و نادیده گرفتن این حالت، اظهار می‌کند: برهان حکما مبتنی بر این است که مؤثریت و صدور، یک صفت ثبوتی یا وجودی باشد؛ در حالی که مؤثریت، شیء نیست بلکه به عنوان امری اعتباری و انتزاعی از مقسم بیرون است.

به عبارت دیگر مؤثریت مبدأ نسبت به «الف» و نسبت به «ب» امری اعتباری است و امر اعتباری نه مقوم شیء است و نه لازم آن؛ زیرا تقوم و التزام از شؤون امور ثبوتی هستند (طوسی، ۱۴۰۵هـ، ص ۲۳۷).

۱- فخر رازی در کتاب *مباحث المشرقیه* نیز به دلایل چهارگانه قاعده الواحد می‌پردازد و سپس آنها را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی در کتاب *محصل*، تنها به برهان اولی که در کتاب *مباحث* آورده است، اشاره می‌کند (رازی، ۱۴۱۱هـ، ص ۴۶۰-۴۶۸).

۲- ملاصدرا در *اسفار* به دقت عبارات فخر در کتاب *محصل* و پاسخ طوسی در نقد این کتاب را نقل می‌کند و ظاهراً پاسخ محقق طوسی را می‌پذیرد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۲۱۱-۲۱۲).

پاسخ محقق طوسی - در این اشکال، فخر رازی با تکیه بر اعتباری بودن صدور و مؤثریت، آن را نه مقوم می‌داند و نه لازم. به این ترتیب او درصدد است مؤثریت را خارج از اقسام سه‌گانه قرار دهد. خواجه در پاسخ اظهار می‌کند تقسیم یاد شده در برهان ابن‌سینا، بر اساس ثبوتی بودن مؤثریت نبوده است (طوسی، ۱۴۰۵هـ ص ۲۳۸). به عبارت دیگر حتی اگر مبدأیت، امری انتزاعی باشد باز می‌توان گفت اگر مبدأ، هم مصدر «الف» باشد و هم مصدر «ب»، دو معنا بر او صادق است و لزوماً آن معانی یا هر دو مقوم ذات مبدأ هستند که با فرض بساطت و وحدت او سازگار نیست؛ یا هر دو لازم ذات مبدأ و معلول و فعل ذات به شمار می‌آیند و به آنها نقل کلام می‌شود. اما اگر یکی از آن دو، مقوم و دیگری لازم باشد، هیچ محذوری وجود ندارد و اساساً قاعده الواحد نیز این معنا را می‌پذیرد.

معارضات فخر رازی بر علیه قاعده الواحد - صدرالمتألهین معتقد است اعتراضات فخر رازی بر قاعده الواحد، گاه به صورت معارضه و گاه به شکل نقض مطرح شده است^۱ (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۲۱۳). رازی در کتاب *محصل*، ابتدا اعلام می‌کند که وی بر خلاف فیلسوفان و معتزله، صدور چند معلول را از علت واحد جایز می‌داند و سپس برای سخن خود دلیلی می‌آورد: جسم به عنوان شیء واحد، هم مقتضی حلول در مکان خاصی است و هم اعراض و اوصاف متعددی را می‌پذیرد. بنابراین در مورد جسم می‌توان گفت از امری واحد، کثیر صادر شده است (طوسی، ۱۴۰۵هـ ص ۲۳۷).

از نظر فخر رازی، دو مورد زیر نیز دلالت بر بطلان قاعده الواحد دارند: مورد نخست، هنگامی است که دایره‌ای رسم می‌کنیم. در مرکز این دایره نقطه‌ای است

۱- معارضه هنگامی است که فرد به جای پرداختن به دلیل طرف مقابل و اثبات نارسایی آن، در برابر دلیل او مقدماتی با نظم و اتقان مورد قبول تنظیم نماید و از این مقدمات به نتیجه دیگری نایل شود. در مقابل، نقض آن است که به مستدل گفته شود اگر دلیل شما حق است، باید در همه موارد جریان داشته باشد. در ادامه به موردی اشاره می‌شود که با وجود جریان دلیل، مدلول قابل پذیرش نیست. تخلف مدلول از دلیل را اصطلاحاً نقض می‌گویند. خواجه نصیر نوع اشکالاتی را که فخر رازی به صورت نقض مطرح می‌کند معارضه خوانده است (طوسی، ۱۴۰۳هـ، ج ۲، ص ۱۲۶).

که مقابل همه نقاط محیط دایره است. نسبت تقابل مرکز با مثلاً نقطه «الف» در محیط دایره غیر از نسبت تقابل مرکز با نقطه «ب» است. با آنکه این دو مفهوم غیر از هم هستند، از تغایر این مفاهیم، لازم نمی‌آید که آن نقطه مرکزی مرکب باشد. به عبارت دیگر در این مورد مفاهیم متعددی بر شیء واحد صادق است ولی این کثرت، با وحدت آن شیء منافاتی ندارد. نمونه دیگر به نظر فخررازی، زمانی است که امور زیادی از شیء واحدی سلب می‌شود (طوسی، ۱۴۰۵هـ، ص ۲۳۸). به نظر فخر، آن دلیل و این شواهد نقض، بی‌اعتباری قاعده‌الواحد را نشان می‌دهند.

پاسخ محقق طوسی - محقق طوسی در شرح اشارات، پس از تقریر برهان ابن‌سینا، اشکالاتی را که فخررازی بر قاعده الواحد مطرح نموده است، گزارش می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد (همو، ۱۴۰۳هـ، ج ۳، ص ۱۲۵-۱۲۶).

صدرالمتألهین در *اسفار*، همه این اشکالات و پاسخ‌ها را از دو کتاب *محصل* و *شرح اشارات* نقل می‌نماید و گاهی در برابر کلام طوسی، نظر دیگری اظهار می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۲۱۳-۲۱۹).

اشکال نخست: حصول جسم در مکان و قبول اعراض مختلف - از دیدگاه طوسی حصول جسم در مکان، امری وجودی است و معلول جسمیت و از باب تأثیر است. در حالی که قبول اعراض از نظر اشاعره و فخر، امری وجودی نیست و حتی اگر وجودی باشد، از باب تأثر و انفعال است. بنابر قاعده‌الواحد علت واحد نمی‌تواند مبدأ امور متباین باشد، اما مانعی ندارد که علت فاعلی یک شیء باشد و در عین حال نسبت به شیء دیگری منفعل بوده باشد (طوسی، ۱۴۰۵هـ، ص ۲۳۸).

اشکال دوم: اوصاف و سلوب مختلف - خواجه در مورد اتصاف شیء بسیط به اوصاف مختلف (مانند مرکز دایره) توضیح می‌دهد که فیلسوف بنابر قاعده الواحد، معتقد است از علت واحد، از آن حیث که واحد است، دو شیء صادر نمی‌شود، اما وجود دو شیء که واحد آنها را به عنوان وصف می‌پذیرد مانعی ندارد (همو).

به عبارت دیگر، اگر مرکز دایره با نقطه‌ای از محیط، نسبت دارد، هرگز به

معنای مبدأیت مرکز نسبت به آن نقطه نیست. در حالی که قاعده الواحد نه در مورد عناوین اضافی، بلکه درباره صدور و مبدأیت است. طوسی معتقد است سلب و اضافه درباره شیء بسیط، از آن جهت که بسیط است، معقول نیست. سلب و اضافه از امور نسبی است و همان طور که شیء واحد، نمی‌تواند مصداق اضافات مختلف قرار گیرد، امکان ندارد مصداق سلوب متعدد باشد. وی در شرح/اشارات نیز اشاره‌ای به این موضوع دارد: قبول یک صفت، منوط به وجود قابل و مقبول و موجود دیگری است که مقبول را در قابل قرار دهد. تعدد اوصاف یک شیء مانند سیاهی و حرکت برای جسم، به اختلاف احوال آن جسم نیاز دارد؛ یعنی جسم از حیثیت‌های مختلفی سیاهی و حرکت را می‌پذیرد. از این رو جسم که حیثیت‌های مختلفی دارد، اساساً واحد نیست.

محقق طوسی درباره سلب نیز چنین، رأیی دارد. خواجه معتقد است صدور، برخلاف سلب و اضافه، منوط به تقدم وجود صادر و مصدر نیست؛ زیرا در اینجا علت با صدور، معلول را ایجاد می‌کند (طوسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۳، ص ۱۲۶). با این تحلیل آشکار می‌شود که مواردی که فخر به آنها اشاره دارد از شمول قاعده الواحد خارج است. طوسی بر آن است که شیء واحد، از آن جهت که واحد است، نمی‌تواند مصداق سلوب فراوان باشد. صدرالمتهلین با آنکه در سایر موارد با خواجه طوسی موافقت دارد، اما در مورد سلب و صدق آن بر ذات احدیت، معتقد است دیگران حقیقت این مطلب را درنیافته‌اند. به نظر صدرا، امور فراوانی را می‌توان از حق تعالی، با وجود آنکه بسیط محض است، سلب نمود. این سلب‌ها حتی در ازل که هنوز اشیا دیگر وجود نداشته‌اند نیز صادق بوده است. از نظر صدرالمتهلین، همه اوصاف سلبی حق تعالی به یک صفت ثبوتی باز می‌گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۲۱۴-۲۱۵).

۲-۱- تبیین نظام علی

خواجه طوسی در برخی آثار خود نظریه ابن سینا درباره ترتیب صدور کثرت از وحدت را بیان می‌کند و گاه به اشکالات مخالفان این دیدگاه فلسفی پاسخ می‌دهد. وی در *نمط پنجم اشارات*، با شرح عبارات ابن سینا به اثبات قاعده الواحد و دفاع از آن می‌پردازد و در *نمط ششم*، نظریه ابن سینا را در مورد نحوه صدور کثرت از مبدأ اول شرح می‌دهد. خواجه توضیح می‌دهد که ابتدا به نظر می‌رسد قول به صدور دو شیء از شیء واحد با قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا واحد» متناقض باشد. این قاعده، هنگامی که به صورت مطلق که اقتضای این عبارت است، ملاحظه شود، مستلزم آن است که از مبدأ اول شیء واحدی صادر شود و از آن، واحدی دیگر و... به عبارت دیگر در میان این موجودات امکان ندارد دو شیء باشند که یکی از آنها در سلسله ترتیب، علت دیگری (به صورت علت قریب یا به واسطه علتی دیگر) نباشد. خواجه چنین تحلیلی از قاعده را نادرست می‌داند؛ زیرا موجودات زیادی در این عالم هستند که به یکدیگر هیچ وابستگی ندارند (*طوسی، ۱۴۰۳هـ.ج، ۳، ص ۲۴۳*). در ادامه خواجه، مراد از قاعده الواحد را چنین توضیح می‌دهد: از واحد، تا آن هنگام که جهت صدور یکی است، تنها یک موجود صادر می‌شود، اما در صورت تکثر جهات و اعتبارات از واحد، اشیا کثیر صدور می‌یابند. البته طوسی در اینجا وجود اعتبارات و جهات کثیر را در مبدأ اول ممتنع می‌داند و تصریح می‌کند که او از هر جهت واحد است و از اینکه مشتمل بر حیثیت‌های مختلف و اعتبارات فراوان باشد منزّه است ولی این مطلب در مورد معلول‌های او ممتنع نیست. بنابر این محال است کثرت به اول تعالی مستند باشد و استناد آن به غیر او ضروری است (*همو، ص ۲۴۴*).

در حالی که خواجه در این عبارات به اجمال، استناد کثرت به اول تعالی را ممتنع دانسته است، در ادامه به تفصیل، کیفیت تکثر جهاتی که مقتضی امکان

صدور کثرت از واحد در معلولات است، بیان می‌نماید. وی پس از بیان مقدمه‌ای^۱، به بیان کیفیت صدور موجودات از مبدأ اول می‌پردازد: آن شیء که از مبدأ اول صادر می‌شود، هویتی مغایر با مبدأ دارد و مفهوم «صدر از اول تعالی» غیر از «مفهوم هویت خاص داشتن» است. پس در اینجا عقل، وجود چند امر را تشخیص می‌دهد:

- ۱- امری به نام «وجود» که از سوی اول تعالی صادر شده است.
 - ۲- هویتی به نام «ماهیت» که لازمه آن وجود است.
 - ۳- از مقایسه این ماهیت با وجود، نسبت «امکان» حاصل می‌شود.
 - ۴- این ماهیت، با ملاحظه مبدأ اول «وجوب بالغیر» دارد.
 - ۵- این ماهیت، ذات خود را تعقل می‌کند.
 - ۶- این ماهیت، ذات مبدأ خود را تعقل می‌کند.
- محقق طوسی از میان این اشیا، وجود صادر از سوی مبدأ را در مرتبه نخست معلول‌ها و موجود دوم و پنجم و ششم را در مرتبه دوم قرار می‌دهد. از نظر او امکان و وجوب که متأخر از ماهیت می‌باشند، در سومین مرتبه وجود، قرار می‌گیرند (طوسی، ۱۴۰۳هـ.ج، ۳، ص ۲۴۵-۲۴۶).
- با آنکه طوسی در میان این بحث، برای آنکه پای‌بند خود به قاعده‌الواحد را نشان دهد، نخستین معلول را واحد خوانده است، ولی اعلام می‌کند که «عقل اول» (در اصطلاح فیلسوف) هم شامل و هم مستلزم همه موجودات می‌شود (همو، ص ۲۴۶).

دفاع طوسی از نظریه ابن‌سینا درباره نظام علی

۱- طوسی در این مقدمه، به نظریه خود درباره ترتیب صدور کثرت از واحد اشاره می‌کند. گرچه به نظر می‌رسد او برای توضیح عبارت ابن‌سینا، نه از این مقدمه بهره‌ای می‌گیرد و نه نظریه‌ای که او در این موضع اظهار می‌کند، با دیدگاه شیخ هماهنگی دارد.

برخی از اهل کلام به دلایل و انگیزه‌های مختلف، با تبیین ابن‌سینا درباره نحوه صدور کثرت از عقل اول مخالفت کرده‌اند. طوسی معتقد است بیشتر کسانی که برای فهم اسرار حکمی، دارای عمق لازم نیستند در این مسأله دچار تحیر شده‌اند و از سر ناآگاهی، به حکمای پیشین اعتراض کرده‌اند (همو، ص ۲۴۹).

اشکالات فخر رازی - رازی در برخی از آثار خود، چند اشکال اساسی بر نظریه ابن‌سینا وارد نموده و در مقابل، محقق طوسی نیز به پاسخگویی پرداخته است.^۱

اشکال نخست فخر رازی به گنگ بودن و عدم صراحت بیانات ابن‌سینا در این مورد مربوط می‌شود. به نظر فخر، ابن‌سینا صدور عقل دوم و فلک اول از عقل اول را، گاهی به اعتبار امکان و وجوب آن و گاهی به جهت تعقل ذات خود و مبدأ می‌داند. طوسی در پاسخ می‌گوید من در هیچ یک از آثار ابن‌سینا ندیده‌ام که وی وجوب عقل اول را به تنهایی، علت عقل دوم دانسته باشد، بلکه وی این صدور را به تعقل مبدأ نسبت داده است. درباره صدور فلک از ناحیه عقل اول، به جهت امکان یا تعقل ذات نیز باید گفت بین این دو بیان، تناقضی وجود ندارد (طوسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۳، ص ۲۴۹ - ۲۵۰).

رازی در اشکال دوم اظهار می‌کند که اعتبارات شش‌گانه در عقل اول (ماهیت، امکان، وجوب، وجود، تعقل مبدأ و ذات خود) صلاحیت ندارند که موجب پیدایش کثرت شوند؛ زیرا برخی از این امور عدمی هستند و برخی دیگر به طور مشترک در همه ماهیات، مساوی هستند. پاسخ طوسی آن است که این امور حتی با فرض عدمی بودن، علل مستقل به شمار نمی‌آیند؛ بلکه اینها حیثیت‌ها و شرایطی هستند که موجب اختلاف احوال علت ایجاد می‌شوند؛ به علاوه اموری مانند وجود و امکان به صورت تشکیکی بر اشیا مختلف واقع می‌شوند (همو، ص ۲۵۰ - ۲۵۱).

۱- خواجه در شرح اشارات، پس از بیان اجمالی اشکالات فخر، به آنها پاسخ می‌دهد (خادمی، ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴، ص ۱۱۷-۱۲۳).

رازی در سومین ایراد خود اظهار می‌کند جایز نیست معلول اول، متقوم به امور مختلف (مانند وجود، وجوب بالغیر و ...) باشد؛ زیرا در آن صورت لازم است مبدأ تعالی علت آنها باشد که با قاعده الواحد منافات دارد. محقق طوسی پاسخ می‌دهد معلول اول هم بر عقل اول با تمامی کمالات، اطلاق می‌شود و هم بر صادر نخست بدون ملاحظه لوازم آن. معلول اول تنها به نخستین معنا می‌تواند متقوم به امور مختلف باشد. در ادامه، طوسی اشاره می‌کند ابن‌سینا در شفا، جایز می‌داند از واحد، شیء واحد با لوازمی از قبیل حکم، صفت یا معلول صادر شود. از سوی دیگر، فخر می‌گوید معلول اول نمی‌تواند مرکب از جنس و فصل باشد. از نظر طوسی، فخر در اینجا اجزا وجودی معلول اول را با اجزا عقلی اشتباه کرده است (طوسی، ۱۴۰۳ هـ ص ۲۵۱-۲۵۲).

فخر در اعتراض دیگری می‌گوید در نظریه ابن‌سینا، اعتبارات مختلف عقل اول مصدر معلول‌های مختلف قرار گرفته است. همین اعتبارات را می‌توان برای ذات الهی با ملاحظه سلب‌ها و اضافات کثیر در نظر گرفت. خواجه معتقد است اگر این سلب‌ها و اضافات که تنها پس از وجود معلول‌های ذات حق قابل ملاحظه هستند به نحوی از انحاء، علت وجود معلول‌ها باشند، دور لازم می‌آید (همو، ج ۳، ص ۲۵۲).

اشکالات صدرالدین قونوی - در نامه‌ای طولانی، قونوی پس از بیان مباحثی مقدماتی در چهار فصل، درباره دوازده مسأله فلسفی، از محقق طوسی پرسش‌های مهمی مطرح می‌کند.^۱ وی در چهارمین مسأله، از قاعده الواحد می‌پرسد. قونوی معتقد است برخی از مسائل مهم فلسفی متفرع بر قاعده الواحد می‌باشد. از نظر او علاوه بر مسأله عقول و جهت ترتیب آنها، موضوع صدور کثرت از ناحیه عقل اول، مبتنی بر این قاعده است. به تعبیر صدرالدین، فیلسوف بر آن است که وجود چند اعتبار در عقل اول موجب صدور کثرت می‌شوند. حال اگر فیلسوف این اعتبارات را وجودی بداند، ملزم می‌شود که به صدور کثرت از

۱- نامه صدرالدین قونوی و پاسخ‌های طوسی به وی در کتاب *أجوبة المسائل الواردة علی نصیرالدین الطوسی* به چاپ رسیده است (طوسی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲-۲۶۴).

حق اقرار کند و در غیر این صورت پذیرفته است که امور غیروجودی، سبب کثرت شده‌اند. قونوی می‌گوید این نظریه، متضمن مفاسد بسیاری است (همو، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸).

طوسی در پاسخ می‌گوید مراد فیلسوفان از عبارت «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» آن است که از واحد با یک اعتبار، تنها یکی صادر می‌شود ولی جایز است از امری واحد با اعتبارات مختلف، اشیا کثیر صادر گردد. مثلاً عدد یک، به اعتبار عدد ۲، نصف و با ملاحظه عدد ۳، ثلث و با اعتبار وحدت خود (بدون در نظر گرفتن غیر)، نامنقسم است. به نظر خواجه، با توجه به آنکه مبدأ تعالی از هر جهت واحد است، شناخت جهت صدور کثرت از او تنها به لطف ذوق و قریحه ممکن است. وی در ادامه، طرح خود را از نظام هستی بیان می‌دارد (طوسی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۰-۲۳۳).

۲- تبیین خاص طوسی از نظام علی بر اساس قاعده الواحد

محقق طوسی در بسیاری از آثار خود هنگام تبیین و تفسیر قاعده الواحد و نظام فیض، سعی دارد نظریه فیلسوفان بویژه ابن‌سینا را تقویت و تحکیم نماید. خواجه در این گروه از آثار خود، بیشتر به عنوان شارح ابن‌سینا، وارد بحث می‌شود. با این حال وی در برخی از آثار خود همانند فیلسوفی نظریه‌پرداز، دیدگاه خاص خود را بیان می‌دارد^۱. اعتقادی که محقق طوسی به قاعده الواحد دارد موجب نمی‌شود که او همان تفسیری را که دیگران از این قاعده دارند، بپذیرد. وی در برخی آثار خود به صراحت، هم درباره این قاعده و هم در مورد تفسیر مشهور فیلسوفان از نظام فیض، پرسش‌ها و اشکالاتی مطرح می‌کند.

طوسی در رساله *علل و معلولات*، ابتدا نظرات فیلسوفان درباره نظام هستی را گزارش می‌کند. فیلسوف مبدأ همه موجودات را یکی می‌داند و معتقد است از شیء

۱- به نظر می‌رسد دیدگاه ابداعی طوسی در آثار فلسفی و کلامی اساساً مورد توجه قرار نگرفته است. حتی حکیمی چون صدرالمتألهین که در آثار خود به بررسی دقیق عبارات افرادی چون فخر رازی می‌پردازد، به طرح محقق طوسی اشاره‌ای ندارد.

واحد، تنها واحد صدور می‌یابد. در این صورت لازم است همه معلول‌ها، یکی پس از دیگری در یک سلسله علی قرار گیرند، به نحوی که از هر دو موجود، یکی - مستقیم یا با واسطه - علت دیگری باشد. فیلسوف تأکید می‌کند از واحد از یک جهت، جز واحد صادر نمی‌شود، اما کثرت می‌تواند از واحد با جهات مختلف صادر گردد و این امر با این مبنا که «از واحد، تنها واحد صادر می‌شود» تناقضی ندارد. از سوی دیگر، فیلسوف درباره نظام علی معتقد است در معلول اول (عقل اول) چند جهت وجود دارد: وجود او که از ناحیه مبدأ صادر می‌شود، ماهیت او، علم او به مبدأ، علم او به ذات خود. از این چهار جهت، چند موجود صادر می‌شود: عقل دوم، فلک و نفسی که آن فلک را تدبیر می‌کند و به آن حرکت می‌بخشد. از عقل دوم، نیز عقل و فلک و نفس دیگری صادر می‌شود. این امر تا جایی ادامه می‌یابد که عقول ده‌گانه و افلاک نه‌گانه به وجود می‌آیند و سرانجام از عقل دهم، عالم کون و فساد صادر می‌شود (طوسی، ۱۴۰۵هـ، ص ۵۰۹). به تعبیر خواجه، بر این بیان فیلسوف اشکال می‌شود^۱ که جهات عقل اول اگر موجود باشند، در واقع از همان ابتدا از مبدأ، کثرت صادر شده است و اگر موجود نباشند چگونه ممکن است جهات عدمی، موجب صدور چیزی شوند. پس این همه افلاک و کواکب ثابت و سیار از کجا به وجود آمده‌اند؟ این نزاع مشهور، بین اهل نظر و گروه‌های مختلف به درازا کشیده است (همی، ص ۵۰۹-۵۱۰). فیلسوفان معمولاً صدور کثرت در عالم هستی را با توجه به کثرت جهات و اعتباراتی در ذات معلول اول توجیه می‌کنند. طوسی با آنکه در شرح اشارات نیز از این نظر دفاع می‌کند، در نامه‌ای به شمس‌الدین خسروشاهی، همین مطلب را مورد پرسش قرار می‌دهد.^۲

۱- خواجه در اینجا از تعبیر «قیل لهم» استفاده می‌کند. با توجه به سایر آثار وی باید گفت طوسی نیز این اشکال را بر بیان مشهور وارد می‌داند.

۲- تعبیر طوسی: إن كان سبب صدور الكثير عن العلة الواحدة كثره في ذات المعلول الأول، كالوجوب والامكان والتعقل على ما فعل. فمن أين جاءت تلك الكثرة إن صدرت عن العلة؟ فلا يخلو: إما صدرت معاً أو على ترتيب. فان صدرت معاً لم يكن سبب صدور الكثرة عن العلة الأولى كثره في ذات المعلول الأول. و إن صدرت على ترتيب لم يكن المعلول الأول معلولاً أولاً. و إن يصدر عن الأول فمن الجائز أن يحصل كثره من غير استناد إلى العلة الأولى، و كنهها محال، فما وجه التفصي عن هذه المضائق؟ (طوسی، ۱۳۸۳،

وی در رساله‌ای به اثیرالدین ابهری به بیان اشکالاتی درباره طرح فیلسوفان می‌پردازد (همو، ۱۳۸۳، ص ۲۷۴-۲۷۵). با آنکه نصیرالدین طوسی در آثار فلسفی خود، قاعده الواحد را پذیرفته و با پاسخ به اشکالات مخالفان، دلایل ابن‌سینا را تقویت نموده است ولی در آثار کلامی و حتی فلسفی خود، مفهوم قاعده و جریان آن را به نحوی تقریر می‌کند که با روایت متعارف و معمول آن به کلی متفاوت است و می‌تواند به عنوان نظریه‌ای که وی درباره قاعده الواحد و ترتیب آفرینش پرداخته است، قلمداد شود. این تبیین را در بسیاری از آثار نصیرالدین طوسی می‌توان یافت.^۱

بیان اول - در حالی که محقق طوسی در شرح نمط پنجم اشارات، با شرح عبارات ابن‌سینا به اثبات قاعده الواحد و دفاع از آن می‌پردازد، در نمط ششم، پیش از شرح نظریه ابن‌سینا به مقدمه‌ای اشاره دارد که می‌تواند بیانگر نظریه خاص او باشد. وی مبدأ اول را «الف» می‌نامد و معلول‌هایی را که به ترتیب از او صادر می‌شوند، چنین معرفی می‌نماید:

مرتبه نخست - از «الف»، شیء به نام «ب» صادر می‌شود.

مرتبه دوم - در این مرتبه دو شیء صادر می‌گردد:

ص ۲۲۶). صدرالمآلهین در رساله‌ای به این پرسش محقق طوسی می‌پردازد. پس از پاسخ به آن اظهار می‌کند که حکما محقق در صادر اول تنها وجوب (وجود) و امکان (ماهیت) را معتبر می‌دانند در این میان وجود و وجوب مبدأ عقل دوم و ماهیت و امکان مبدأ فلك اول می‌شود. رک به: صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷-۱۷۱.

۱- برخی این نحوه تبیین را که در برخی از آثار محقق طوسی ملاحظه می‌شود، مستفاد از عبارات ابن‌سینا در الهیات نجات دانسته‌اند؛ زیرا وی در آنجا جایز می‌داند که علت، فی حد ذاته معلولی داشته باشد و با مقارنت یک وصف یا معلول خاص، اثری دیگر ایجاد نماید (رحیمیان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹-۱۴۱) در حالی که در آنجا ابن‌سینا قصد دارد لوازم معلول اول و مقارنت معلول‌های بعدی را موجب کثرت بداند (ابن‌سینا، ۱۳۶۴، ص ۶۵).

۲- طوسی در اینجا توضیح می‌دهد در صورتی که ما جایز بدانیم از «ب» با ملاحظه «الف» شیء دیگری صادر شود در مرتبه دوم سه معلول به وجود می‌آید (طوسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۴۴-۲۴۵). از نظر صدرالمآلهین هم حیثیت وجود معلول اول و واسطه بودن آن بین مبدأ و معلول دوم امر واحدی است و هم وجود معلول اول عین وجود او با ملاحظه مبدأ تعالی است. از این رو این حیثیت‌ها متعدد نیستند تا بتوانند مبدأ کثرت موجودات بعدی باشند رک به: صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴-۱۷۵.

۱- از «الف» به واسطه «ب» شیء به نام «ج»

۲- از «ب» شیء به نام «د»

مرتبۀ سوم - در این مرتبۀ دوازده شیء به ترتیب زیر صادر می‌شود:

۱- از «الف» به واسطه «ج»

۲- از «الف» به واسطه «د»

۳- از «الف» به واسطه «ج - د»

۴- از «الف» به واسطه «ب - ج»

۵- از «الف» به واسطه «ب - د»

۶- از «الف» به واسطه «ب - ج - د»

۷- از «ب» به واسطه «ج»

۸- از «ب» به واسطه «د»

۹- از «ب» به واسطه «ج - د»

۱۰- از «ج» (به تنهایی)

۱۱- از «د» (به تنهایی)

۱۲- از «ج - د» (با هم)^۱

در صورتی که جایز بدانیم از موجود سافل با ملاحظه مافوق خود، شیئی صادر شود و ترتیب را در اشیائی که واسطه صدور قرار می‌گیرند، معتبر بدانیم، موجوداتی که در همین مرتبۀ سوم صادر می‌شوند، چند برابر خواهد شد. از آنجایی که این مراتب هم می‌توانند ادامه یابند، تعداد موجودات تا بی‌نهایت قابل شمارش نیست. پس به این ترتیب صدور اشیا زیاد، از مبدأ واحد، در یک مرتبۀ امکان‌پذیر است (طوسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۳، ص ۲۴۴ - ۲۴۵).

چنانچه از این عبارات برمی‌آید، طوسی معتقد است از مبدأ تعالی در مراتب بعدی نیز اشیائی^۱ صادر می‌شوند. بیان محقق طوسی در شرح اشارات، در برخی

۱- با توجه به فهرست یاد شده، به نظر می‌رسد درست‌تر آن باشد که بگوییم در این مرتبۀ دوازدهمین موجود از «ج» به واسطه «د» صادر می‌شود.

دیگر از آثار وی نیز، مانند مکاتبات با صدرالدین قونوی (همو، ۱۳۸۳، ص ۲۳۰-۲۳۱) و کتاب *مصارع المصارع*^۲ با تفاوت اندکی ملاحظه می‌شود.

بیان دوم - ابن سینا در کتاب *قواعد العقاید* در فصلی با عنوان «صدر الممکنات عن الباری تعالی شأنه» ابتدا می‌گوید: فیلسوفان معتقدند «الواحد لا یصدر عنه من حیث هو واحد الا شیء واحد» (طوسی، ۱۴۰۵هـ ص ۴۵۴). خواجه در اینجا قید «من حیث هو واحد» را به کار برده است. در ادامه، وی برهان حکما را چنین بیان می‌نماید: زیرا اگر از واحد دو امر صادر شود پس از آن وجه که یکی از آن دو، از او صادر شده است آن دیگری از او صادر نشده است و بر عکس. به عبارت دیگر، هر یک از آن دو از حیثیتی خاص از مبدأ صادر شده‌اند. خواجه تصریح می‌کند: «فاذن صدرا عنه من حیثیتین و المبدأ الاول تعالی واحد من کل الوجوه» بنابراین از نخست، یکی صادر می‌گردد (همو). تا اینجا ظاهر تعبیر خواجه درباره قاعده، مانند سایر عبارات به نظر می‌آید. اما وی در ادامه می‌گوید: واحد مستلزم اشیائی است؛ زیرا در اینجا چند اعتبار به وجود می‌آید: اعتباری از حیث ذات صادر؛ اعتبار دیگری در مقایسه صادر با مبدأ خود و سرانجام اعتباری برای مبدأ در قیاس با صادر. از ترکیب این اعتبارات با هم، اعتبارات بسیاری حاصل می‌شود. در این صورت امکان‌پذیر است که از مبدأ با هر یک از آن اعتبارات، شیء صادر شود. به این ترتیب موجودات کثیر از مبدأ صادر می‌شوند (همو).

محقق طوسی در این عبارات که تحت عنوان «صدر ممکنات از باری تعالی» بیان کرده است، هیچ اشاره‌ای به صدور موجوداتی از ناحیه معلول‌های باری

۲- این اشیا در سه مرتبه نخست طرحی که طوسی در شرح *اشارات* تنظیم می‌نماید عبارتند از: «ب» در مرتبه نخست؛ «ج» در مرتبه دوم و شش موجودی که در مرتبه سوم از «الف» (مبدأ اول) صادر می‌شوند.

۳- نصیر الدین طوسی در کتاب *مصارع المصارع* اعلام می‌کند که در مرتبه سوم، پانزده معلول صادر می‌شود، اما تنها به دوازده معلول اشاره می‌کند که یا از واجب صادر شده‌اند یا از طریق یکی از معلول‌های او به وجود آمده‌اند. البته می‌توان بنا بر روش وی، موارد دیگری به این مجموعه افزود: معلولی که از معلول دوم به واسطه معلول سوم صادر می‌شود؛ معلولی که از معلول اول و سوم با هم به وجود می‌آید (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲-۱۵۳).

تعالی (مانند عقل اول) ندارد. به نظر می‌رسد وی در اینجا قصد دارد با ملاحظه جهاتی در مبدأ اول نه تنها صادر نخستین، بلکه همه موجودات را از ناحیه حق و معلول آن بداند.

بیان سوم - در رساله علل و معلولات، طوسی ابتدا تأکید می‌کند که صدور کثرت نامرتب و با واسطه از مبدأ اول بنابر قواعد فیلسوفان امکان‌پذیر است؛ به نحوی که مبدأ هر معلول، تنها یک علت موجود باشد (به طور انفرادی)؛ نه آنکه امری اعتباری یا یک جهت عدمی به عنوان مبدأ قرار گیرد (همو، ص ۵۱۰). در ادامه طوسی، طرح پیشنهادی خود را با دقتی ستودنی، بیان می‌کند. وی مبدأ اول را «الف» می‌نامد و سپس به سلسله مراتب موجوداتی که به ترتیب صادر می‌شوند، اشاره می‌نماید:

مرتب اول - از «الف»: یک معلول به نام «ب»

مرتب دوم - دو معلول غیرمرتب بر هم:

۱- از «الف و ب»: «ج»

۲- از «ب» (به تنهایی): «د»

مرتب سوم - طوسی چهار موجود پیشین را که شامل علت اولی و سه معلول است، مبادی می‌نامد و از ترکیب این مبادی با هم سخن می‌گوید:

۱- شش ترکیب دوتایی: «الف، ب»، «الف، ج»، «الف، د»، «ب، ج»، «ب، د»، «ج، د»

۲- چهار ترکیب سه‌تایی: «الف، ب، ج»، «الف، ب، د»، «الف، ج، د»، «ب، ج، د»

۳- یک ترکیب چهارتایی: «الف، ب، ج، د»

خواجه معتقد است که هر یک از این پانزده^۱ موجود - خواه به صورت انفرادی خواه به شکل ترکیبی - می‌تواند منشأ صدور معلولی شود.

۱- خواجه نصیرالدین طوسی در اینجا توضیح می‌دهد که چون قبلاً در دو مرتبه اول و دوم از سلسله مراتب علی، معلول‌های «الف» (به تنهایی) و «ب» (به تنهایی) و معلول «الف» و «ب» (با هم) مورد توجه قرار گرفته است، باید گفت در مرتبه سوم، از دوازده ترکیب باقی‌مانده، دوازده معلول صادر می‌شود، بدون آنکه دیگری در صدور، واسطه بوده باشد (طوسی، ۱۴۰۵هـ ص ۵۱۰).

مرتبۀ چهارم - آن چنان که محقق طوسی محاسبه می‌کند، در این مرتبه، افزون بر ۶۵۰۰۰ معلول صادر می‌گردند. به نظر وی از آن ۱۲ نفر و ترکیب‌های دو، سه، چهار... تا دوازده‌تایی، مجموعاً ۴۲۹۵ فرد حاصل می‌شوند. بنابر حساب دقیق طوسی، تعداد معلول‌های افراد و این گروه‌های ترکیبی از قرار زیر است:

- معلول افراد: ۱۲

- آثار گروه‌های دوتایی: ۶۶

- آثار گروه‌های سه‌تایی: ۲۲۰

- آثار گروه‌های چهارتایی: ۴۹۵

- آثار گروه‌های پنج‌تایی: ۷۹۳

- آثار گروه‌های شش‌تایی: ۹۲۴

- آثار گروه‌های هفت‌تایی: به تعداد آثار گروه‌های پنج‌تایی: ۷۹۳

- آثار گروه‌های هشت‌تایی: به تعداد آثار گروه‌های چهارتایی: ۴۹۵

- آثار گروه‌های نه‌تایی: به تعداد آثار گروه‌های سه‌تایی: ۲۲۰

- آثار گروه‌های ده‌تایی: به تعداد آثار گروه‌های دوتایی: ۶۶

- آثار گروه‌های یازده‌تایی: به تعداد آثار افراد: ۱۲

- معلول گروه دوازده‌تایی: یک معلول

وی در ادامه، درباره هر مورد توضیح مفصل می‌دهد و سرانجام اظهار می‌کند تعداد معلول‌های مبدأ اول در مرتبۀ چهارم به طور دقیق ۶۵۶۵۲ می‌باشد. به عقیده طوسی، این معلول‌ها از مبدأ اول صادر شده‌اند. هنگام صدور آنها نه یکی از این معلول‌ها واسطه بوده است و نه اعتبارات و جهات عدمی تأثیری داشته‌اند. البته این رقم، تنها مربوط به آن موجوداتی است که تا مرتبۀ چهارم از مبدأ صادر می‌شوند والا ضبط و نگهداری تعداد آثار مبدأ در مراتب بعدی به جهت فراوانی دشوار است. طوسی در پایان این رساله یادآور می‌شود که به این ترتیب معلوم می‌شود که امکان دارد کثرت بی‌انتهای آن مبدأ اول صادر شود و با این حال شرط

قاعده الواحد که «از واحد، جز واحد صادر نمی‌شود» رعایت گردد، بی‌آنکه معلول‌ها متسلسل باشند (طوسی، ۱۴۰۵هـ ص ۵۱۵).

درباره بیان خاص طوسی در رساله *علل و معلولات* یادآور می‌شود که بررسی دقیق این محاسبات در مورد تعداد و وضعیت معلول‌هایی که در مرتبه اول تا چهارم از مبدأ به وجود می‌آیند، نیازمند پژوهش مستقلی است. به علاوه، وی در اینجا نیز، همانند آثار دیگر خود سعی دارد مبدأ اول را در صدور معلول‌هایی که حتی از سوی موجودات انفرادی یا ترکیبی به وجود می‌آیند، مؤثر بداند و به این ترتیب امکان صدور کثیر از مبدأ اول تعالی را تبیین نماید.

یافته‌های پژوهش

ابن‌سینا بر اساس قاعده الواحد اعتقاد دارد در مبدأ تعالی به عنوان واحد محض تنها یک جهت صدور می‌تواند وجود داشته باشد. وی وجود اعتبارات و جهات کثیر را در مبدأ اول ممتنع می‌داند و علت صدور اشیا کثیر را به جهات موجود در معلول اول مربوط می‌داند.

محقق طوسی نیز در شرح *اشارات* گاهی با نظر ابن‌سینا موافقت دارد و تأکید می‌کند که حق تعالی از هر جهت واحد است و نمی‌توان برای او حیثیت‌های مختلف و اعتباراتی ملاحظه نمود. اعتبارات و جهات کثیر تنها در معلول‌های او مانند عقل اول راه دارند. طوسی در چنین موضعی صریحاً اعلام می‌کند که استناد کثرت به اول تعالی ناممکن است.

با این وجود محقق طوسی در مواردی نیز نظریه‌ای ابراز می‌کند که اهل نظر به آن توجه نداشته‌اند. وی در اثر فلسفی شرح *اشارات* و برخی از رساله‌های کلامی خود چون *قواعد العقاید و علل و معلولات*، تقریری خاص از قاعده الواحد و نظام علی ارائه می‌دهد. وی بر آن است که از واحد، از آن جهت که واحد است جز واحد صادر نمی‌شود ولی صدور موجودات متعدد، از مبدأ واحد با حیثیت‌های مختلف

امکان پذیر است. محقق طوسی در این گونه آثار، سلسله مراتب علی موجودات را به دقت تنظیم می‌کند. طوسی با وجود اعتقاد به قاعده الواحد، خداوند را تنها مصدر یک موجود نمی‌داند. به نظر او، در مرتبه نخست از مبدأ تعالی موجودی صادر می‌شود و در مرتبه دوم دو موجود قرار دارند که یکی از آنها از سوی مبدأ اول صادر شده است. در مراتب بعدی هم علاوه بر آنکه موجوداتی که خود از مبدأ صادر شده‌اند مصدر اشیا مختلفی می‌شوند از مبدأ تعالی نیز موجودات خاصی صدور می‌یابند. از این رو مبدأ واحد با ملاحظه حیثیت‌های متعددی مصدر امور مختلف می‌شود. به نظر می‌رسد حیثیت‌های متعدد نه در مرتبه ذات مبدأ تعالی، بلکه در مرتبه اسماء و صفات یا افعال، قابل اعتبار هستند.

نظریه محقق طوسی با دیدگاه مشهور فیلسوفان که خود وی نیز گاهی از آن جانبداری کرده است، به خوبی هم‌وردی و رقابت می‌کند. این دو دیدگاه که از دو طریق به تفسیر کثرت موجودات جهان آفرینش می‌پردازند، با یکدیگر تعارض دارند.

بر اساس قاعده الواحد از مبدأ واحد، از جهت واحد، تنها یک موجود صادر می‌شود. ابن‌سینا و شارحان او درباره این امر واحد که آن را عقل اول می‌نامند، توضیحات مفصلی دارند، ولی محقق طوسی در طرح ابداعی خود به معرفی دقیق این موجود نپرداخته است.

منابع و مأخذ

- ☞ ابراهیمی دینانی، غلامحسین، *قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲، چاپ دوم
- ☞ ابن سینا، حسین ابن عبدالله، *الهیات نجات*، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴
- ☞ خادمی، عین الله، «دیدگاه متکلمان مسلمان درباره نظام فیض (چگونگی پیدایش کثیر از واحد)»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، سال ۶، ش ۲ و ۳، ۱۳۸۳-۱۳۸۴
- ☞ رحیمیان، سعید، *هویت فلسفه اسلامی*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳
- ☞ رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *المباحث المشرقیه*، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۱۱هـ چاپ دوم
- ☞ صدرالدین شیرازی، محمد، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱، چاپ چهارم
- ☞ همو، *مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین*، تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران، حکمت، ۱۳۸۵، چاپ سوم

- طوسی، نصیرالدین، *اجوبه المسائل النصیریة*، به اهتمام عبد الله نورانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳
- همو، *تلخیص المحصل (نقد المحصل)*، لبنان - بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵هـ
- همو، *شرح الاشارات و التنبیہات*، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳هـ
- همو، *مصارع المصارع*، ترجمه محسن میری، تهران، حکمت، ۱۳۸۰
- فرامرزی قراملکی، احد، «نقش روش شناختی قاعده الواحد»، قم، خردنامه صدرا، ش ۳۳، ۱۳۸۲